

قابل توجه نويسندگان، شخصيت های ملی، احزاب سياسي و ميدياي افغاني!

بگزارش رسانه های ملی و بين المللی، پاکستان بار ديگر دست تجاوز برحريم وطن ما افغانستان دراز کرده و دهات و قصبات ولايات شرقی کشور را توسط اردوی پنجابی خود زیر حملات توپخانه قرار داده است. گزارش های رسیده از ولايات سرحدی نورستان وکنز حاکی است که پایگاه نظامی گوهرديش که بوسيله نظاميان امريکايی برای جلوگیری از نفوذ شورشیان از آن سوی خط ديورند ساخته شده بود و نیروهای امريکائی آنرا چند سال قبل تخلیه کردند، روز ۲۷ سپتمبر از سوی اردوی پاکستان اشغال شده و از همین پایگاه اشغال شده که تخمین ۱۰ كيلو متر داخل خاک افغانستان می باشد بالای مردم و مناطق مسکونی نورستان شلیک می کنند.

هریکي از شما بهتر از من ميدانيد که، نجات مادر وطن از زیر ضربات مرگبار دشمنان هستی و موجودیت افغانستان، وابسته به شجاعت و مردانگی و فداکاری فرزندان اصیل و پاک شیر وطن ما است. خاموشی در برابر تجاوز آشکار و عريان پاکستان، جز تسلیمی و پیشکش کردن ناموس وطن به این نطقه ناپاک استعمار، معنی دیگری ندارد و شایسته هیچ افغان باوجدان و میهن دوستی نیست .

وجدان هیچ افغان شرافتمند، مستقل و سربلند راضی به تمکین و تسلیم در برابر نظامیان پنجابی نخواهد شد؟ مگرآنکه شخص عاری از وجدان و شرافت باخته باشد که بخواهد نظامیان پاکستانی فردا بر خواهر و مادر و دختر و زن و ناموش دسترسی پیدا کنند.

پس فرزندان آگاه، هوشیار، شجاع و با وجدان افغان اگر صیانت عزت و شرف و ناموس وطن را میخواهند، باید به دفاع از مردم تحت ضربات راکت و توپخانه اردوی پاکستان به هر شکل ممکن آن برخیزند و صدای اعتراض و انزجار و نفرت خود را در برابر تجاوز بی شرمانه پاکستان بلند نمایند و دولت افغانستان را تحت فشار قرار بدهند تا مهرسکوت و خموشی از لب بردارد و در برابر پاکستان، این دشمن تاریخی افغانستان، از خود جداً واکنش نشان بدهد و از مجراهای دیپلماتیک، جامعه جهانی را از حرکات فاجعه بار پاکستان مطلع سازد و نیز با مراجعه به آرای ملی تصمیمی قاطع در برابر پاکستان بگیرد. تا زمانی که ما صدای خود را از طریق دولت و موسسات سیاسی و حقوقی آن بلند نکنیم و نماینده این دولت در سازمان ملل متحد نگوئید که اردوی پاکستان به حریم کشور ما تجاوز نموده و هر روز و هر شب با فیر سلاح های ثقیله خود جان فرزند بیگناه ما را میگیرد و سبب تخریب آبادی ها و آواره گی مردم ما میگردد، جامعه جهانی (سازمان ملل متحد) پاکستان را برای این گستاخی هایش مورد باز پرس و مواخذة قرار نخواهد داد.

احزاب سياسي و تشکل های ملی و نهاد های مدافع حقوق بشر، شخصیت های خوشنام و دارای وجاهت ملی و رسانه های همگانی، می باید ذهنیت مردم را در برابر تجاوز و زور گویی پاکستان روشن نمایند و از مردم بخواهند تا اتحاد و همبستگی ملی خود را حفظ نموده چون مشت آهنین برای حواله کردن بردهن دشمن، آماده باشند. پارلمان افغانستان که نمایندگی از ملت غیور و با شهامت افغانستان را مینماید، باید بیدار و وادار ساخته شود تاچند دستگی را برسر منافع زود گذر شخصی کنار گذاشته ، به فکر دفاع از تمامیت ارضی وطن باشند و از ملل متحد، سازمان کشور های اسلامی، اتحادیه اروپا، امریکا و نهادهای حقوق بشر تقاضا نمایند که مداخلات و تجاوزات آشکار پاکستان را محکوم نموده آنرا توقف دهند.

این احزاب با اشتراک مردم بیدار سراسر افغانستان می باید با راه اندازی تظاهرات و میتنگ های وسیع و گسترده خویش ، صدای اعتراض و انزجار و نفرت خود را برضد تجاوز و مداخلات بی شرمانه پاکستان ابراز کنند. انتظار

می‌رود این عکس العمل‌ها و مبارزات مدنی ابتدا از کابل و سپس در همه شهرهای افغانستان از سوی احزاب سیاسی و تشکل‌های ملی و مترقی و غیر وابسته به محافل مدافع پاکستان، با اشتراک وسیع جوانان، محصلان، معلمان، شاگردان مکاتب و تمام افشار جامعه ادامه یابد.

همین اکنون تعداد احزاب سیاسی در افغانستان از یکصد حزب و گروه سیاسی بیشتر است، اگر از هر حزب یکصد نفر در هر مظاهره اشتراک کنند، تعداد اشتراک کنندگان در مظاهره به بیش از ده هزار نفر خواهد رسید و چنین تظاهراتی می‌تواند پشت پاکستان را به لرزه در آورد. سلسله تظاهرات افغانان در اروپا و آمریکا در ماه‌های جولای و اگست امسال، به ابتکار و تلاش‌های میهن پرستانه آقای مسکین یار، لااقل توانست حملات پاکستان را برباشندگان ولایات شرقی افغانستان موقتاً متوقف کند. جای تأسف است که بسیاری از احزاب سیاسی بصورت احزاب سیل بین و این وقت، عمل میکنند و در مرحله اول حملات پاکستان بر مناطق سرحدی ولایت شرقی کشور از هرگونه عکس العمل و حتی پخش یک اعلامیه اعتراض آمیز در قبال تجاوز پاکستان خود داری ورزیدند، ولی اکنون که مرحله دوم تجاوزات پاکستان آغاز یافته است و نظامیان پاکستان پوسته‌های امنیتی خود را بر نقاط حاکم و استراتژیک خط دیورند جابجا کرده اند، می‌باید نسبت به سرنوشت مادروطن بی تفاوت نمانند و جداً از خود عکس العمل نشان بدهند.

البته تاکنون شبکه‌های اطلاع رسانی همگانی افغانی از قبیل تلویزیون آریانا افغانستان مربوط به آقای مسکین یار از آمریکا و تلویزیون آریانای آقای بیات در کابل و تلویزیون طلوع با تدویر میزهای گرد و دعوت از صاحب نظران افغانی، با طرح مسأله تجاوز پاکستان بر حریم افغانستان، عملکرد دولت افغانستان را مورد انتقادات جدی قرار داده و نظریات مفید و سودمندی به دولت افغانستان پیش کش کرده اند. روزنامه‌های معتبر کابل نیز در این عرصه قلم زده اند، اما این موضوع ملی در نشرات برون مرزی بخصوص انترنت بازتاب چندانی قابل توجهی نداشته است و این وظیفه و رسالت نویسندگان و آگاهان افغان در خارج کشور است تا به این مسئله ملی جدی توجه نمایند و اندیشه و تجربه و خرد سیاسی خود را در خدمت آگاهی و بسیج افکار عمومی هموطنان داخل کشور بکار گیرند.

بیجا نخواهد بود اگر یک بار دیگر تکرار نمایم که تعجب بیشتر من از حزب "افغان ملت" است که با وجودیکه اکثریت اعضای آن از پشتونهای ولایات ننگرهار و کنر و لغمان و نورستان و اطراف کابل هستند و در دل، خواهان "لوی افغانستان" نیز می‌باشند با اینکه از تعرض و تجاوز اردوی پاکستان بر افغانستان موجوده در ولایات شرقی کشور چندین روز می‌گذرد و تاکنون بیش از ۶۰۰ راکت و مرمی توپ بر دهات و قصبات شان در کنر و ننگرهار و نورستان فیر شده است، و بسیاری مردم را متضرر و وادار به ترک مسکن شان نموده است، ولی این حزب از جا نمی‌جنبند و منتظر است تا سران ائتلاف شمال به آنها دستور براه انداختن یک مظاهره را بدهند؟! شرم باد به احزاب نام نهاد و بی‌خاصیتی که از خود سیاست مستقل ملی نداشته باشند و دفاع از نوامیس ملی را وظیفه اصلی و اساسی خود ندانند.

به شاعر ملی افغان (آقای نسیم اسیر) که در مذمت از پاکستان، مخمسی بسیار عالی بنام "لانه شیطان" سروده است، شادباد می‌گویم، اینست آن شعر:

لانه شیطان!

تجاوزات صریح، آشکار و مکرر پاکستان در سرحدات وطن و سکوت مرگبار دولت افغانستان در برابر این خود سری‌ها، نفرت انگیزترین عملیست که بانیست فرد فرد افغان در مقابل آن عکس العمل شدید آمیخته با نفرت عمیق نشان بدهد. شعر ذیل را بهمین مناسبت به دردمندانی که ازین رهگذر خون دل می‌خورند و در برابر سکوت برده وار دولت صبر و حوصله را از دست داده اند، تقدیم می‌کنم:

دشمن جان ماست پاکستان کج نهاد خطاست پاکستان
در شقاوت بلاست پاکستان سخت پرمدعاست پاکستان
خودسرو خود نماست پاکستان

گرچه درگیر و در دوران هم آفت جان ماست ایران هم
این ملایان نامسلمان هم می‌خورند خون جان افغان هم

بی حیاتر به ماست پاکستان

گاه پنجابی و گهی سندیسیت درحقیقت به اصل ونسل هندیسیت
رهنمایش ملای دیوبندیست چون مداری مدار او رندیست
چقدر بی حیاست پاکستان

سرزمین به فتنه مشهوراست که بنایش زراستی دوراست
می زند نیش ، همچوزنیوراست برسراو مگر، جهان کوراست
همه را رهنماست پاکستان

ظاهرا گرچه حامی دین است منبع و لانه شیاطین است
بامن و با تو برسر کین است طینت او سیاه و چرکین است
مرتد و بی خداست پاکستان

دشمن بد نهاد افغان است نی خدا دوست، نی مسلمانست
نوکر خاص انگلستان است فتنه انگیز همچو شیطان است
کان ریب و ریاست پاکستان

نام او پاک، لیک ناپاکست همچو ابلیس رند و چالاک است
دل ما از عداوتش چاک است دوز عقل و فهم و ادراک است
در خور ناسزاست پاکستان

مرض انتحار ازو آمد طالب فتنه کار از و آمد
جمع بی بند و بارازو آمد بوی گند هزار از و آمد
مرکز فتنه هاست پاکستان

آتش انداخته به دامن ماست دوست مانیت بلکه دشمن ماست
رهرو خوب نیست رهزن ماست دزد نام و نشان میهن ماست
نطفه نارواست پاکستان

چه زبون اوفتاده دولت ما موجب خفت و مذلت ما
یاد ازان سرفراز ، ملت ما در جهان شهره بود همت ما
این زمان پیشواست پاکستان

م. نسیم « اسیر » فرانکفورت

پایان ۱۱ / ۹ / ۳۰